

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸



احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

میلاذ فتحی^۱، محمد مهدی رئوف^۲

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، لرستان، ایران
ri.ihtafdalim@ofni

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات زنجان، زنجان، ایران

چکیده:

ابنیه مذهبی به‌ویژه مساجد به‌عنوان عنصر هویت‌بخش و قلب تپنده شهر همواره نقش محوری در شهرهای اسلامی داشته است. هویت شهرهای ایران با ورود مظاهر شهرسازی مدرن در قرن حاضر دچار تغییرات بیرونی و درونی بسیاری شده است. بدیهی است که با چنین تحولاتی در شهرها، بافت تاریخی شهر و ساختارهای ارزشمند آنکه زمانی به‌عنوان یک کلیت شهری، حیاتی کارآمد داشت در وجوه کالبدی و کاربردی دچار دگرگونی شد. به دنبال این تحولات در فضاهای شهری بافت تاریخی، شکاف بین این بافت و شهر معاصر بیش‌ازپیش افزایش یافته و منجر به بروز مشکلاتی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهرهای تاریخی شده است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد. هدف این مقاله شناسایی عوامل بروز این گسست به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران و ارائه راهکارهایی جهت تقویت نقش مراکز مذهبی به منظور رجوع به مفاهیم عمیق شهرسازی اسلامی ایران است. بر این اساس محله پشت گنبد به‌عنوان یکی از محلات تاریخی در شهر اصفهان به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. روش مورد استفاده در این مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و میدانی صورت پذیرفته است.

کلمات کلیدی: بافت تاریخی، مراکز مذهبی، هویت فرهنگی، محله پشت گنبد اصفهان.

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمیت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظیات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت‌گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زینوف
صص ۲۹-۴۸

۱- مقدمه

در سنت شرقی، شهرنشینی و شهرهای اسلامی در طول چهارده قرن پیش تاکنون بر پهنه بسیار وسیعی گسترده شده و در نواحی مختلف جهان بسط یافته است و در اجزای بسیاری از تمدن‌ها و ایدئولوژی‌ها نقش چشمگیری داشته است. در تمام این دوران، شهرهای اسلامی به حیات، خلاقیت، توانمندی و بازسازی خویش ادامه دادند و بر بصران‌های مختلف فائق آمدند. این شهرها بر فراسوی شعاعی گسترده از طریق بنیادهای جدید احیاء شدند و بروز آن‌ها از طریق سیستم‌های جدید شهری تحقق یافت. حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضه نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آن‌ها منجر شده است. از سوی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده‌های شهری به وجود آورده است، چه برخی از این فرهنگ‌ها به سنت‌های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل برانگیز است. (دانش، ۱۳۹۰: ۵۹۰)

بافت تاریخی شهرها دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافصل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند. وجود و استقرار عناصر، راسته‌ها، گره‌های ارزشمند تاریخی، فرهنگی، سیاسی و تجاری به همراه تفاوت قدمت و عمر بناها، ظرفیت گردشگری و نقش آن‌ها در تقویت هویت فرهنگی و تاریخی، ضرورت نگاه متمایز مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهری ایجاب می‌کند. (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۹۷) شهرهای ایران که دارای ویژگی‌های تکامل یافته در قرون متمادی بودند، در عرض چند دهه دچار تحولی عظیم شدند. آنچه را که این شهرها به عنوان خصوصیات کالبدی خود داشتند، فضاها و عناصر ارزشمندی منبث از فرهنگ حاکم بر زندگی شهروندان بودند. هر فضا یا عنصر معماری-شهری، طبق نیازهای روزمره ساکنان شهرها و در پاسخ به رشد و دگرگونی جامعه شهری طی زمان شکل گرفته و تکامل یافته بود. بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاها، شهری درون خود، مانند شبکه معابر، بازارها و آب‌انبارها، مساجد و کاروان‌سراها و... علاوه بر شکل فیزیکی قابل توجه و خصوصیات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای را در خود نهفته داشتند. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶)

با گذشت زمان، اگر شهرها بتوانند، کماکان اصول و ارزش‌های مورد قبول و هویت‌ساز خود را به ناظر و جامعه القا کنند، می‌توانند به نقش ارزشمند هویتی خویش تداوم ببخشند؛ اما اگر نتوانند نقش مورد نظر و مورد نیاز جامعه را ایفا کنند، به مرور مهجور و مضمحل خواهند شد و نقش هویتی خویش را از دست خواهند داد. علاوه بر اصول و ارزش‌ها، اگر شهرها و عناصر شهری بتوانند خود را به عنوان یک الگوی برتر و پایدار و پردوام که از نمونه‌های بیگانه خود برتر و زیباتر و شاخص‌تر باشند مطرح کنند نیز، همچنان به عنوان عامل هویتی جامعه ظاهر خواهند شد. به ویژه اگر آثار در دوره ایجاد خود واجد برتری‌های هنری و تکنیکی و علمی باشند، نقش هویتی‌شان تقویت و تثبیت خواهد شد. در واقع، نکته مهم، اصول و ارزش‌هایی هستند که این عوامل هویت‌ساز، به آن‌ها اشاره می‌کنند. از این رو، شناسایی اصول و ارزش‌هایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری عوامل هویت‌ساز، بوده‌اند، از اهمیت و جایگاه درخور توجهی برخوردار هستند. لذا این پژوهش تلاشی است در جهت شناساندن گوشه‌هایی از اصول و ارزش‌های حاکم بر منظر شهرهای ایرانی-اسلامی و اینکه چگونه می‌توان این الگوهای سنتی را در شکلی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

نویسن ارائه داد و در توسعه مکان‌های شهری از آن‌ها بهره جست.

یکی از مسائل مبتلا به جوامع امروزی، جدایی انسان از مبانی معنوی و تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات است؛ از جمله در مقوله معماری و شهرسازی نه تنها عبارات، محیط و فضا پیام و معنایی معنوی و روحانی را القا نمی‌نماید، بلکه انسان‌ها نیز غالباً در پی ایجاد محیط‌ها و فضاهای کیفی، معنادار و روحانی که تجلی آرمان‌های معنوی حیات باشند نیستند. معماری و شهرمسلمین که روزگاری سرشار از معانی و رموز و اسرار و حافظ تعادل حیات بود در دنیاگرایی، به دنباله‌روی از غرب پرداخته است که شهرهای ایرانی نیز از این بلیه بی‌نصیب نمانده و به ویژه در چند دهه اخیر به ملغمه‌ای نارس از شیوه‌های گوناگون معماری غربی تبدیل شده‌اند.

بناهای مذهبی اعم از مساجد، حسینیه‌ها، خانقاه‌ها، مزارات و غیره به دلایل مختلف از جمله؛ «معنویت حاکم بر آن‌ها»، «سابقه تاریخی»، «شیوه معماری» و «کارکرد فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی» در بین مردم از گذشته تا به حال از اهمیت خاصی برخوردار بوده و جنبه «تقدس» یافته‌اند. بناهای مذکور، پویایی معنوی و کالبدی خود را در طول زمان حفظ کرده و به ندرت متروکه و رها شده‌اند. این مظاهر هنر معنوی (بناهای کالبدی فرهنگی) همگام با ورود جامعه جهانی به عصر «فرانوگرایی» و «اطلاعات و ارتباطات» اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند، زیرا «انقلاب انفورماتیک» باعث کم‌رنگ شدن اقتصاد مادی و توسعه اقتصادی متکی بر تولیدات فرهنگی شده است. توجه به پدیده‌های کالبدی و بناهای میراثی / تاریخی بویژه شهرهای تاریخی و اماکن مقدسه و متبرکه به لحاظ تنوع کارکردها و منافع مادی و معنوی حاصل از آن‌ها افزایش یافته و به دلیل سهم فراوانی که در تأمین منافع ملی دارند در کانون توجه مسائل «اقتصاد فرهنگی» قرار گرفته‌اند. چشم‌انداز «اقتصاد قرن بیست و یکم» روشنایی بخش غلبه «اقتصاد فرهنگی» بر سایر جنبه‌های اقتصادی در تأمین زندگی مردم است. در چارچوب همین بینش فکری، مسئله «شهرهای تاریخی» و بناهای با کارکرد «فرهنگی-اجتماعی» موجود در شهرها اهمیت بسزایی یافته و کانون مطالعه و توجه نظریه‌پردازان «اقتصاد فرهنگی» و شهرپژوهان قرار گرفته است.

بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گران‌بهایی هستند که نشانه فرهنگ و دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند. این بافت‌ها در شهرهای ما، در بردارنده ظرافت و زیبایی و نیز روح خلاق مردمی است که طی سالیان دراز آن‌ها را بر طبق سنن، فرهنگ و نوع معیشت خود به وجود آورده‌اند. بافت‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان هسته قدیمی و تاریخی دارای قابلیت‌های بالفعل و بالقوه‌اند که در صورت عدم پیش‌بینی تمهیدات لازم، موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر و اتلاف سرمایه‌های فرهنگی می‌شود. (قربی و مدیری، ۱۳۸۷: ۷)

۲- ادبیات پژوهش

رشد سریع و ناهنجار مراکز شهری، افزایش جمعیت شهرها و همچنین گسترش ساخت‌وسازهای نامتناسب شهری، منجر به زیان بیشتر به بافت‌های تاریخی و بی‌هویتی شهر و تأثیر منفی بر ساکنان شهر می‌شود؛ بنابراین، حفظ بافت تاریخی به عنوان هویتی ضروری برای ادامه حیات شهرها مطرح می‌گردد. اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده‌های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهرنشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است. (کیانی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زینوف
صص ۲۹-۴۸

و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲) گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشکسوتان معماری، موجب تولید فضایی ناخوانا در شهرهای امروز گردیده است تا جایی که رابطه‌ای منطقی بین معماری معاصر ایران و معماری تاریخی آن وجود ندارد از میان بردن این گسست نیاز به شناخت و درک ساختارهای موجود در معماری گذشته و به‌کارگیری این ساختارها به شکل جدید در معماری معاصر می‌باشد.

بافت‌های تاریخی با توجه به حفظ بخشی از کالبد خود و پذیرش نقش‌های اجتماعی جدید مهم‌ترین بخش‌ها برای احیا مفاهیم شهر ایرانی اسلامی هستند از سوی دیگر همواره باید در نظر داشت شهرها شکل گرفته مردمان و انسان‌ها محصول فرهنگ جامعه هستند. شکل‌گیری شهرهای سنتی ایرانی و اسلامی در واقع محصول فرهنگ پیشرو دوران اوج تمدن اسلامی بوده است. از این رو توجه به این مبانی در طرح‌های مرمت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی اجتماعی موجود در احیای کیفیات شهری گذشته ضروری به نظر می‌رسد. این احیا خود نیازمند نگاه چندبعدی است که علاوه بر تأمین نیازهای روزیک ایرانی مسلمان، کیفیات معنوی و متعالی شهری نیز در آن متبلور شود. هدف این نوشته نیز تبیین اهمیت موضوع فرهنگ در شکل‌گیری شهرهای ایرانی و ضرورت توجه به آن در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری با رویکرد احیای مبانی شکل‌گیری بافت‌های تاریخی است. با توجه به این مسئله که در شهرهای ایرانی همواره مساجد و مراکز مذهبی نقشی حیاتی در بافت شهری در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفا می‌کردند توجه این نوشته به نقش این مراکز در طرح‌های مرمت بوده و نسبت به ارائه راهبردهای احیای مراکز مذهبی و تأثیرات فرهنگی اجتماعی آن‌ها در محله تاریخی پشت گنبد اصفهان به‌عنوان محدوده مطالعه اقدام نموده است.

۳- ساختار و هویت شهر اسلامی

شهرسازی ایرانی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد، یعنی اصل تعادل تا از طریق ایجاد تعادل فضایی و توازن کالبدی به وحدت دست یابد. همه عناصر به منزله یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می‌شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، بازگشت به آهنگ و بازآمدن به تباین و... مقدمه و مؤخره، پیش‌درآمد، اوج، فرود و... در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می‌نمایند. (نوریان، ۱۳۹۰: ۸۲۱) نحوه شکل‌گیری اصول طراحی شهر سنتی اسلامی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادهای فرهنگی اسلام وابسته است. این موضوع قاعدتاً در ماهیت احکام اسلامی ریشه دارد، به طوری که کلیه جنبه‌های زندگی مسلمانان را تحت شعاع قرار داده است. به همین خاطر است که دین اسلام بیش از ایمان معنوی، به عنوان شیوه زندگی شناخته شده و از سکونتگاه‌های آن نیز به عنوان کتاب تمدن یاد می‌شود. (علیزاده و حبیبی، ۱۳۹۰: ۷۶) در شکل‌گیری شهرهای اسلامی عوامل مختلفی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به چند دسته کلی زیر تقسیم بندی نمود: عوامل طبیعی: منظور از این دسته، مواردی است که در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهرهای اسلامی می‌تواند دخیل و تأثیرگذار باشد که از آن جمله می‌توان به اقلیم، توپوگرافی منطقه، مواد و مصالح ساختمانی موجود و قابل استفاده و... اشاره نمود. طبیعی است در غالب موارد، تشابهات عوامل طبیعی نتایج مشابهی را در شکل دادن به شهرهای اسلامی به لحاظ ریخت‌شناسی موجب شده است.

عوامل مصنوعی: این عوامل، عواملی است غیر از عوامل طبیعی که خود به دودسته قابل تقسیم است؛ عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عوامل تأثیرگذار در بنیاد و باطن

شهر اسلامی.

منظور از عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر، عواملی چون تکنیک‌های ساخت و ساز ابنیه و شهرها و قواعد و اسلوب آن و نیز قوانین منبعث از شریعت و فقه اسلامی است که می‌تواند حاوی دستورالعمل‌هایی برای ساخت ابنیه شهری باشد؛ اما آنچه به باطن و بنیان شهر اسلامی، صبغه اسلامیت می‌بخشد، صرفاً رعایت برخی نکات فقهی نیست، بلکه مفاهیمی چون نظم و سلسله مراتب شهری، وحدت بافت شهری، عدم تمایز اجتماعی و... است که به تفصیل بدان پرداخته می‌شود. عوامل مذکور را می‌توان به طریقه دیگری نیز دسته‌بندی نمود تا در آن مفهوم دین به صورت جدی‌تری مورد بحث قرار گیرد:

عوامل برون دینی مؤثر در شکل‌گیری شهر: در این دسته عوامل طبیعی و برخی عوامل مصنوعی همچون تکنیک‌ها و اسلوب ساخت و ساز قرار می‌گیرد. این قواعد امری و رای پیام و فحوای ادیان و مذاهب الهی است که از طریق آموزش و تجربه قابل فراگیری و انتقال است و منحصر در چارچوب فرهنگی خاصی نیست.

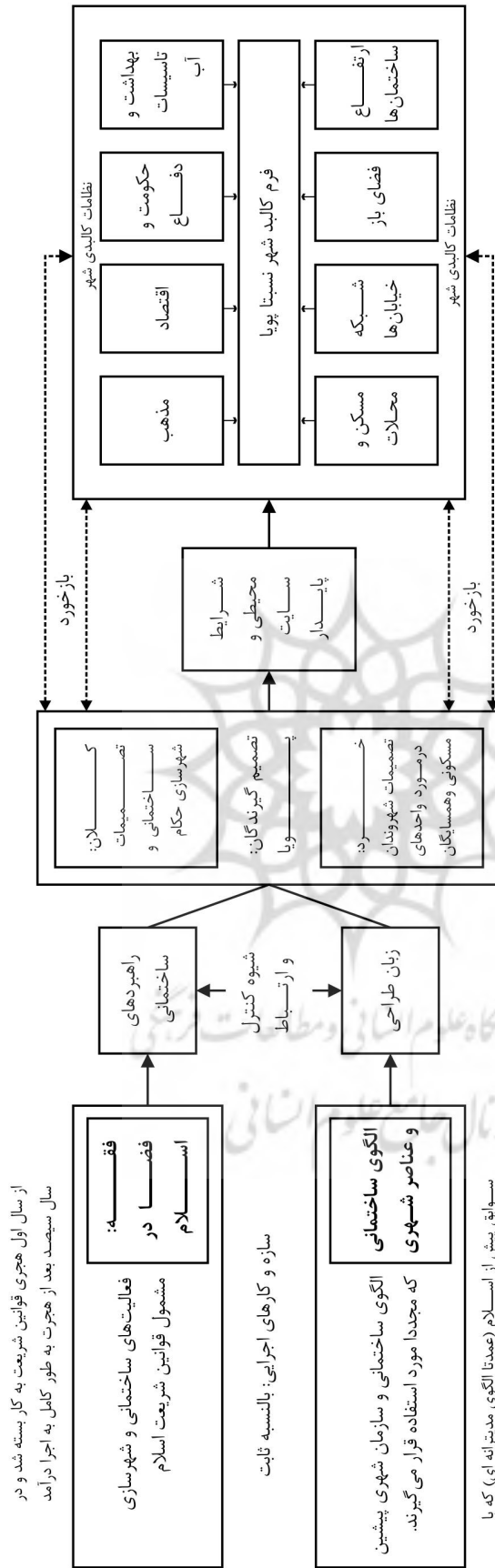
عوامل درون دینی مؤثر در شکل‌گیری شهر: منظور عوامل مرتبط با شرایع و حقایق دینی است که به طور مستقیم می‌تواند در کالبد و معنای شهر اسلامی تأثیرگذار باشد. برای بنیان و ساکنان شهر اسلامی، شهر به منزله انعکاس ارزش‌های اسلامی است. گذشته از تمام گوناگونی‌های متأثر از عوامل طبیعی، شهر در اسلام غرق در ایمانی واحد است و در حالی که معیارها و قوانین زندگی بر آن حاکم و مسلط است، شکل مشخصی از معماری را ارائه می‌دهد. در این شرایط عوامل و اصول منبعث از فرهنگ دینی، شبکه قدرتمندی را ایجاد می‌کند که در صورت تعارض با عوامل بیرونی، به طرد و حذف آن پرداخته، جایگزین دیگری را برای آن می‌طلبد و یا آنکه در صورت امکان آن را جذب و تعدیل می‌کند.

دین اسلام از قلب سرزمین عربستان با سنن بسیار قوی عربی در سطوح مختلف حیات اجتماعی از جمله امور ساختمانی ظهور یافت. بسیاری از این سنن که در انطباق با ارزش‌های اسلامی قرار نداشتند، ممنوع و مابقی با برخی تعدیلات جذب تمدن اسلامی شدند. جوانب مختلف امور ساختمانی قبل از اسلام نیز در فرهنگ اسلامی جذب و تعدیل شد و سپس با خصوصیات اسلامی متمایز ظاهر گشت. (حکیم، ۱۳۸۱: ۲۱) ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود در اکثر شهرهای جهان اسلام عمدتاً به ارتباط بخش‌ها و ترکیب نظام مندناشی از آن قابل استناد است که به واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول ساختمانی، به وجود آمده و حفظ می‌شوند. این مجموعه، محصول فقه می‌باشد: سازوکاری که نظام ارزشی شریعت را در چهارچوب فرآیند ساخت و ساز و توسعه شهری تفسیر نموده و به کار می‌بندد. از اینرو تمامی شهرهای جهان عرب و اسلام که عمده ساکنان آن‌ها مسلمان بوده‌اند، دارای هویت اسلامی مشترکی هستند که به طور مستقیم از کاربست ارزش‌های شریعت در فرآیند شهرسازی حاصل آمده است. (همان: ۳۶۱)

شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در پوسته تمدن‌های دیگر و با استفاده از جلوه‌های تجلی آن، نمود می‌یابد تا نیازهای ابتدایی جوامع تازه مسلمان را پاسخگو باشد. پس از آن با نضج و استحکام یافتن فرهنگ اسلامی و گسترش حیطة آن، نیاز به ساخت مستحدمات جدید افزایش یافته، شهرهای گذشته گسترش می‌یابند و شهرهای جدید در نواحی مختلف برپا می‌شوند. با پراکنده شدن نوای وحدت‌گرایی این آیین، شهر نیز جلوه‌ای حقیقی و معنوی می‌یابد و با رعایت اصولی همچون سلسله مراتب، حریم

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸



نمودار ۱: الگوی ارائه شده توسط حکیم در ترسیم مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری شهر سنتی اسلامی (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۹)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

خصوصی، نظم، تعادل و... در کالبدی پیچ‌درپیچ، سعی در همسازی با این فرهنگ
را دارد و بدین ترتیب قالب شهر اسلامی شکل می‌گیرد و تا قرن‌ها به حیات خویش
ادامه می‌دهد. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴). دین مبین اسلام با یک چهره صدرصد اجتماعی،
به پدیده شهر چون آمیزه‌ای از جسم و جان نگر بسته و حیات و بالندگی آن را در گرو
سلامت هر دو عامل می‌داند. مکتب اسلام در حین ترسیم شمایل یک شهر مطلوب،
خود را آماده پذیرش بهترین‌های تمدن‌های پیش از خود کرد تا جایی که استفاده از
کلیه دستاوردهای فرهنگی، هنری ملل تابعه تا آنجا که با مبانی آن مغایرت نداشت
بلامانع بود. با مرور اسلام شهرهای ایرانی، اجزاء و ارکان آن و اجتماعات پدید آمده
با فرهنگ اسلامی با عبارتی نظیر عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و فردی، توجه
به اقشار کم‌درآمد اجتماعی و محرومین، تعاون، روح همسایه داری، صلح و... روبرو
می‌شویم که نمود آن در شهر به صورت وحدت فضایی در بافت، برچیده شدن نظام
طبقاتی قبل از اسلام، رعایت مرزهای خصوصی و عمومی، مکانیسم‌های عام‌المنفعه
نظیروقف، نظام سلسله‌مراتبی خانه، کوی، کوچه، گذر، دیوار دفاعی، بازار، مسجد و
... قابل مشاهده است و این همه در یک ترکیبی بی نظیر اسلام شهرهایی را پدید می‌آورد
که در بستر زمان پایداری خود را حفظ کرده است. (سلخی خسرقی، ۱۳۹۰: ۷۰۷)

۴- نقش فضاهای مذهبی در شهر اسلامی

در شهرسازی اسلامی، به‌گونه‌ای روابط بین فضاها و عملکردهای مختلف برای
جلوگیری از مزاحمت‌های مذهبی، سلسله‌مراتب فضاهای عمومی، نیمه عمومی،
نیمه خصوصی و خصوصی، تفکیک متناسب قلمروهای شهری، تأمین امنیت جانی
و مالی، در نظر گرفتن مقیاس انسانی در شهرسازی، در نظر گرفتن وحدت، ایجاد
محلات متجانس و جلوگیری از قطب‌بندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در
نظر گرفتن فضاهای عمومی برای شهروندان، ایجاد فضایی برای القای احساس امنیت
و توسعه عدالت و تابعیت از قوانین بین‌المللی، بهره‌گیری از زیبایی برای رسیدن به
کمال مطلوب، پیوستگی فضایی و وجود فضاهای آشنا و قابل دفاع از اهمیت خاصی
برخوردار بوده است. (کمیلی و خدائی، ۱۳۹۰: ۹۵)

در شهرهای ایرانی اسلامی فضاهای مذهبی به‌ویژه مساجد همواره نقشی کلیدی در
ساختار شهری داشتند. این مراکز علاوه بر ایفای نقش دینی خود در شهرها عاملی
برای شکل‌گیری استخوان‌بندی شهر و برآورده نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی
شهروندان داشتند. مساجد همواره محل برقراری ارتباطات اجتماعی در سطح محلات
و شهرها بودند. بسیاری از کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم مانند آموزش (مسجد
مدرسه‌ها و یا برگزاری جلسات درس در مدارس)، حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات
اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مسجد صورت می‌گرفته است. آن‌ها از یک
سومحل برگزاری مراسم عبادی بودند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی
ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به حل و فصل امور مردم می‌پرداخته‌اند.
در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه‌هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت
می‌شود به‌گونه‌ای که برخی مورخان غیربومی نیز به آن اشاره نموده‌اند. دروازه مسجد در
ایران، با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد
تنها محور جهان است. (تقوایی و معروفی، ۲۰۱۳: ۸۹). می‌توان تحولات مسجد در شهر
اسلامی را به چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول آغاز دوره اسلامی بوده است که مسجد
هنوز صورتی ساده داشت. در مرحله دوم روزگار بنی امیه بود که در آن مسجد و قدرت به
هم پیوند یافت. مرحله سوم از روزگار خلافت عباسیان و شکل‌گرفتن امپراتوری اسلامی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زینوف
صص ۲۹-۴۸

است که در آن رفته‌رفته مسجد و قدرت سیاسی از یکدیگر جدا می‌شوند و سرانجام در مرحله چهارم که از قرن ششم آغاز می‌شود در شکل و پراکندگی مساجد دگرگونی‌های بسیار پدید می‌آید. (بریمانی و شعاع‌برآبادی، به نقل از اشرف، ۱۳۸۸: ۹۵)
در شهرهای اسلامی مسجد در مرکز شهر قرار داشت و در رابطه مستقیم با بازار و مراکز اجتماعی بود. مسجد را باید قلب تپنده شهر دانست که به خوبی وضع اجتماعی شهر را منعکس می‌کرد؛ چنانکه شادی و غم هیجان‌ات اجتماعی را از ضربان آن می‌توان تشخیص داد. در پیرامون مسجد شهر مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا و مهمانخانه‌هایی برای مسافران، محل‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب‌انبار، حمام و مدارس و پس از صفویه فضای حسینی و تکیه قرار داشت. (شعیبی و شعبانی، ۱۳۸۵: ۴۸۹)

۴-۱- کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی

مسجد در صدر اسلام به عنوان اولین و با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی دارای وظایف و کارکردهای چندی بود، به‌گونه‌ای که افزون بر مهم‌ترین کارکرد آن عبادت؛ فعالیت‌های آموزشی، نظامی و سیاسی نیز در آن جریان داشت. مساجد بزرگ بعدی به ویژه در سده‌های میانه، فعالیت‌های گسترده‌تری از فعالیت‌های غیرعبادی یافتند. مسجد نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت. می‌توان مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی مساجد در شهرها را به صورت زیر بیان کرد:

شرح	کارکرد	
ایجاد فضای مدرس در مساجد، ایجاد مسجد مدرسه‌ها	آموزش در مسجد	۱
ارائه کمک‌های عمومی	ارائه خدمات عمومی	۲
ایجاد کانون‌های حضور و بسیج و فعالیت‌های جهادی	دفاع و بسیج عمومی	۳
کانون حل اختلافات	مشورت و قضاوت	۴
ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد (تعاونی‌ها)، برگزاری جلسات شوراهای محلی	کانون‌های فرهنگی و اجتماعی	۵
برگزاری جشن‌های اعیاد مانند اعیاد فطر، قربان و...	جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی	۶
تبلور هنر اسلامی در مساجد	فعالیت‌های هنری	۷
اجرای مراسم آیینی چون عزاداری‌ها و...	انجام مراسم آیینی	۸

جدول ۱: کارکردهای فرهنگی مساجد در شهر اسلامی (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹)

۵- بافت تاریخی

«بافت تاریخی-فرسوده شهری» به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی و فیزیکی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. (کیانی به نقل از شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹: ۲۳) بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی شهری نه تنها با هدف حفاظت از شهرها و بناهای فرهنگی صورت می‌پذیرد، بلکه پاسخی به نیازهای جدید شهری و شهروندان می‌باشد که موجب ترمیم خرابی‌های گذشته و آسیب‌های وارده بر بنا و شکل‌گیری عملکرد متناسب با نیازهای زندگی روز می‌شود. بافت‌های تاریخی شهرها تجسم عینی تمدن و فرهنگ هر جامعه و از بسترهای مناسب برای دستیابی به شاخص‌های مختص خود در فرآیند گفتگو و تعامل بین تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست. این بافت سند عینی و ماندگاری هستند که به صورت امانتی ارزشمند از هنر و فرهنگ

گذشتگان برای استفاده آیندگان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. (طاهرخانی و متوسطی، ۱۳۸۵: ۹۸) بافت تاریخی از مهم‌ترین بخش‌های هویتی هر جامعه محسوب می‌شود و پیدایش آن پیرو اطاعت از ساختارهای اقلیمی و فرهنگی است. مجموعه‌ای منسجم از معماری، فرهنگ، اقتصاد و تبادلات اجتماعی یک ساختار شهری با پیشینه تاریخی باعث می‌شود که بافت‌های تاریخی به مرور زمان پدید آیند. لازمه این پیدایش اهمیت بخشیدن به اقلیم و توجه به فرهنگ‌های بومی منطقه است. بافت تاریخی شهرها دارای مشخصاتی چون قدمت تاریخی، بافت فشرده و در هم تنیده می‌باشد، وجود بافت تاریخی متمایز از سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند. (کردوانی و مورد غفاری، ۱۳۹۰: ۲۲)

۶- گسست فضاهای معاصر و بافت تاریخی شهرها

امروز فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی ما به خوبی نشان می‌دهد که در دوران سرگشتگی قرار داریم. غربی نزدیک آنچه امروزه با عنوان بحران و ناهماهنگی در ساختار شهرهای اسلامی از آن یاد می‌شود نتیجه‌ای است که در پی گسست فرهنگی و تزییق مؤلفه‌های غیربومی به پیکره فرهنگی جوامع در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. تداوم سیر تاریخی و اصیل اولیه، راهبردی است که می‌تواند در تبلور مجدد مفاهیمی همانند مفهوم شهر اسلامی راهگشا باشد. طراحان و هنرمندان متعهد این عرصه باید علاوه بر توجه به راهبرد اصلی و مهم یاد شده و تلاش در جهت پیوند مجدد با هویت فرهنگی و حرکت در مسیر آن، به احیاء و تعریف مؤلفه‌ها و قالب‌های قابل ارائه در بنیان نهادن شهرهای جدید اسلامی بپردازند. هر چند طراحان و برنامه‌ریزان شهری در ابتدای امر و در رویارویی با برخی مباحث و فرآیندهای مدرن شهری که غالباً غیربومی و وارداتی اند باید به حل فوری مسائل مهم و ضروری موجود جوامع شهری اقدام کنند. مسائلی همچون ورود اتومبیل به فضای شهرها و به تبع آن، نیاز به ساختار جدید حمل و نقل و از هم گسیختگی بافت غالب شهرهای قدیمی و یا نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی مراکز تجاری که جایگزین مفهوم سنتی بازار شده از جمله این موارد است. همچنین درنگی در مفاهیمی همچون مقولۀ بلندمرتبه‌سازی و بازتعریف مفهوم محله و خلقتی مفهوم جدیدی از مجتمع‌های زیستی با توجه به نیازها و اهداف جامعۀ شهری اسلامی از دیگر مباحث قابل تأمل امروزی است. (دانش، ۱۳۹۰: ۶۰۴)

حفظ هویت و بافت شهرهای سنتی اسلامی به عنوان الگویی برای مطالعه و پژوهش ضروری است. در این راستا، کنترل جمعیت ساکن در آن، نظارت بر ساخت و سازهای غیراصولی و ناهمگون، کاهش عوامل ترافیک‌زا و نامأنوس با معابر شهری و... از جمله تمهیدات سلبی است که تا حدی از تخریب و انهدام این آثار جلوگیری می‌کند. هر چند این اقدامات به عنوان اقدامات سریع و اولیه لازم است، اما نباید منحصر در آن شود. حفظ، مرمت و احیای اصولی و قاعده‌مند این آثار، قدم دیگری است که در جهت حیات سودمند این آثار، تأثیرگذار خواهد بود. این همه در درجه اول نیازمند فرهنگ‌سازی است تا همگان را متوجه ضرورت امر کنند و نظارت و دقت همگان را موقوف خویش سازد. (همان: ۶۰۵) امروزه در هم تنیدگی و پیوستگی مسجد با بافت‌های شهری بسیار کم‌رنگ شده است. بجز تحولات دوران مدرن و شکل‌گیری دیدگاه‌های عملکردگرا و تفکیک حوزه‌های عملکردی در طراحی مدرن شهر، مشکلات مختلف از جمله ایجاد درب‌های متعدد در مسجد باعث شده طراحان چندانی به

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف

صص ۲۹-۴۸

آن علاقمند نباشند. مشکلات امنیتی، تداخل عملکردهای شهری بافت مجاور با عملکردهای مسجد، تداخل کاربران سایر فعالیت‌ها با مسجد و کم‌رنگ شدن حریم مسجد و عدم رعایت شأن مسجد از مهم‌ترین این مشکلات است.

۷- اهمیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در طرح‌های مرمت شهری

از دیرباز درباره نسبت و رابطه میان برنامه‌ریزی و فرهنگ دو رویکرد کلان وجود داشته است. برابر رویکرد اول فرهنگ دارای ساختار ویژه‌ای است که دگرگونی‌ها و تغییرات آن کاملاً تابع سازوکارهای درونی و تاریخی‌اش می‌باشد و به هیچ‌رو نمی‌توان از بیرون و مطابق طرح و برنامه‌ای خاص تغییرات پیش‌بینی شده‌ای را در آن پدید آورد؛ اما رویکرد دوم فرهنگ را همان سایر پدیده‌های اجتماعی قلمداد می‌کند و امکان برنامه‌ریزی در این زمینه را میسر و تا حدود زیادی ضروری می‌انگارد. ظاهراً تجارب بشر در زمینه تغییر فرهنگی که طی دهه‌های اخیر صورت پذیرفت تا حدود زیادی صاحب‌نظران را متقاعد کرده است که می‌توان با تکیه بر برنامه‌ریزی‌های معینی به دگرگونی‌های مطلوبی در حوزه امور فرهنگی دست یافت. تجربیات جهانی نشان داده است نگاه صرف کالبدی به شهر و خصوصاً بافت قدیم جوابگوی نیازهای مردم نیست. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی علاوه بر دید کالبدی رویکرد فرهنگی را نیز وارد برنامه‌ریزی کرده‌اند شهرهایی مانند پاریس، بروکسل، لندن نمونه‌هایی از ترکیب برنامه‌ریزی کالبدی و فرهنگی هستند. در ایران نیز احساس می‌شود که رویکرد برای مداخله در بافت قدیم باید با چهارچوب فرهنگی یا به عبارتی همراه با برنامه‌ریزی فرهنگی باشد. رکود اقتصادی بافت تاریخی خروج ساکنین از بافت و جایگزینی ساکنانی که هیچ تعلقی به بافت ندارند، آوردن فرهنگ‌های بیگانه و ناهمگون با بافت از بین رفتن زیرساخت‌های اجتماعی و... همه و همه عواملی مؤثر برای برنامه‌ریزی فرهنگی در بافت می‌باشند.

۸- محدوده مطالعه

میدان نقش جهان اصفهان، پس از سپری شدن دوران صفویه، دیگر هیچگاه به شکوه دیرین خود بازنگشت. محلات تاریخی پیرامون میدان نیز علی‌رغم مجاورت با این عنصر ملی، از گزند گذشت زمان و تغییرات همه‌جانبه جامع مدرن در امان نماندند. محله پشت گنبد در حال حاضر از مناطق کور و گره خورده پیرامون میدان نقش جهان به شمار می‌آید که با توجه به موقعیت خاص خود، می‌تواند در عین حفظ بافت و زندگی سکونتی، نقش ملی، منطقه‌ای نیز ایفا سازد و حیثیتی جدید و خاص بیابد. در واقع ایجاد نوعی آشتی، هماهنگی و همکاری مابین میدان با محلات اطراف آن، همچنین مسجد با محله پشت آن، جهت بسط توانایی‌های این محله ضروری به نظر می‌رسد. (کرباسی و سلطانی، ۱۳۸۳: ۲۸۶) محله پشت گنبد که در پشت مسجد شیخ لطف‌الله قرار دارد و از بخش‌های قدیمی و تاریخی شهر اصفهان به شمار می‌آید. پس از گذر زمان و پس از تشکیل و ساخت میدان نقش جهان در دوران صفوی و خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول حدود و ثغور این بخش از شهر و محلات پیرامونی آن به شکل کنونی درآمده است. محله پشت گنبد از شمال به خیابان حافظ، از شرق به خیابان نشاط، از غرب به میدان نقش جهان و از جنوب به کوچه شهید بحرینی و بازار چهارسوق مسعود محدود شده است. قرارگیری این محله در قسمت مرکزی شهر و نزدیکی آن به مراکز عمده و مهم شهری مانند سایر نقاط مرکزی در سایر شهرهای تاریخی ایران دارای محاسن و معایبی ویژه می‌باشد.

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸



تصویر ۱: محدوده محله پشت گنبد
(نگارندگان)

۹-۱- شناخت بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان

میدان نقش جهان به عنوان هسته مرکزی شهر اصفهان (از عصر صفوی به بعد) مرکز تبادل کالا و افکار در شهر، دارای عملکرد فرا شهری بوده است. گذرهای منتهی به آن به فراخور طول خود و یا امکان ارتباط با دیگر نقاط عمده شهری واجد ارزش‌های متفاوتی بوده‌اند. چنانچه پیش از این آمد محورهای با ارزش محدوده شامل محور بازار به عنوان مهم‌ترین محور است که ضرورت تداوم آن به سمت شمال، با توجه به اهمیت تداوم حرکت پیاده در بافت و تأثیر آن در ماندگاری بیشتر گردشگر و استفاده از ویژگی‌های ناشی از مجاورت این محور با ابنیه شاخص و با ارزش تاریخی احساس می‌شود. از آنجایی که این محور بخشی از ساختار اصلی شهر و آن هم به عنوان پیوند دهنده در مرکز ساختار، تشکیل می‌دهد، می‌توان گفت که در صورت احیای عناصر مجاور آن و اتصال کالبدی آن با بافت شمالی زمینه استفاده بیشتر از عناصر تاریخی که از محورهای درجه دوم به بازار متصل می‌شوند نیز از منظر گردشگری بیشتر می‌گردد که خود می‌تواند سوای اثرات فرهنگی و اجتماعی، ارتقاء وضعیت اقتصادی را در داشته باشد.



تصویر ۲ و ۳: عکس هوایی سال ۱۹۳۷ از
محدوده مورد مطالعه (اریک ف، ۱۳۷۶)

این میدان به شدت در اطراف خود نیازمند فضاهایی است که به آن حیثیت ملی، فرهنگی و حتی اقتصادی بخشد. متذکر بودن آنچه انسان امروز فراموش کرده، از طریق کالبد، فضا و به دنبال آن عملکردهایی که در فضا جاری می‌شود و ایجاد فضایی مطلوب برای پرورش و زیست انسان امروز و ارتقاء او از اهداف اساسی است. این

تقویت و ارتقاء از ابعاد محلی آغاز می‌شود و می‌تواند تا ابعاد جهانی گسترش یابد. در این میان، به دنبال از میان رفتن سیستم ریش سفیدی در داخل محلات احیای مسئله مشارکت مردم در مفهوم بخشیدن به فضای زندگی، افزایش ارتباط ساکنان باهم و دلبستگی‌شان به زمین، طبیعت و فضاهای زیست محله و ایجاد یک زندگی مرفه (دارای ویژگی‌ها و کیفیت خاص) که در عین ارتقاء رتبه اجتماعی، خاطره‌های فرهنگی را نیز یادآور می‌سازد از دیگر اهداف عمده در تصمیم‌گیری‌های نهایی است. (همان)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
 میلاد فتحی، محمد مهدی زینوف
 صص ۲۹-۴۸



تصویر ۴: شرق و جنوب مسجد جایی که بدنه‌ها به بازار متصل می‌شود نیز در عکس‌های اشمیت مشهود است. (اریک ف، ۱۳۷۶)



تصویر ۵: عکس هوایی سال ۱۳۵۵ و دید به محدوده جنوب و شرق میدان سال ۱۳۸۰ (وبسایت شهرداری اصفهان)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸

دولکه بزرگ تاریخ مسکونی در بافت به چشم می‌خورد که یکی در محدوده غرب و دیگری در شرق میدان نقش جهان قرار دارد. لکه غربی که به نام محله پشت گنبد شناخته می‌شود، انسجام بافت خود را علی‌رغم تغییرات ایجاد شده حفظ نموده و هنوز شکل اولیه و طبیعی خود را از دست نداده است و با اندک تغییرات می‌تواند دوباره زنده و پویا شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته این محدوده شامل بناهای صفوی و قاجار است. محلات قدیمی اصفهان و محدوده مورد مطالعه با بررسی‌های صورت گرفته بر روی نقشه‌های تهیه شده در دوره پهلوی اول (۱۳۰۲-۱۲۹۹ ه.ش) عکس هوایی سال ۱۳۵۵، عکس‌های هوایی "اشمیت، اریش فردریش" و نقشه‌های فعلی اصفهان نکاتی در مورد چگونگی بافت محله دریافت می‌شود:

- بافت محله در گذشته نیز به‌طور عمده دارای کاربری مسکونی بوده است.
- عمده تغییرات صورت گرفته در بافت محله در مقایسه با بافت تاریخی شامل ساخت‌وسازهایی است که در محل باغات صورت گرفته به نحوی که تقریباً اثری از آن‌ها باقی نمانده است. این ساخت‌وسازها در سه بخش اصلی اتفاق افتاده است:

الف- بخش شمالی بافت محله: محل باغات ابتدا به پارکینگ و در حال حاضر به حوزه علمیه (در حال ساخت) تغییر کاربری-کالبدی داده است.

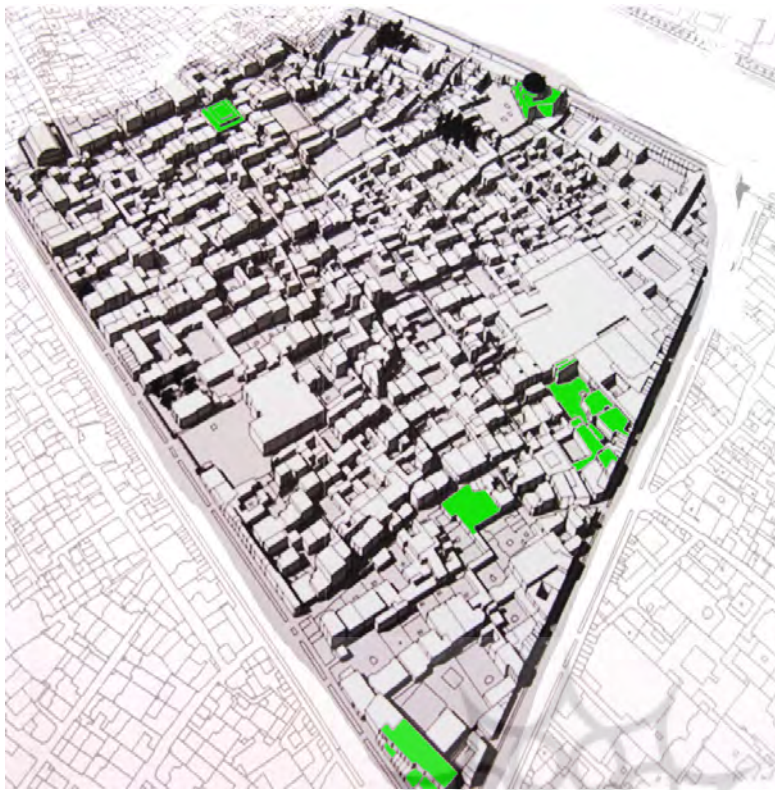
ب- بخش جنوبی محله: ساخت‌وسازهایی با کاربری مسکونی، آموزشی و عمدتاً در دوره پهلوی اول در محل باغات و زمین‌های زراعی شکل گرفته‌اند.

ج- بخش شرقی محله: باغات و فضای سبز تخریب شده و به جای آن اداره پست نشاط و چند منزل مسکونی ساخته شده است.

در مجموع تنها لکه‌های سبز کوچکی از دوره‌های قبلی و در محدوده جنوبی و شرقی باقی مانده است که این نقاط نیز به دلیل عدم توجه و مالکیت مشخص رو به زوال می‌باشند. در بررسی غرب سایت یا به عبارت بهتر شرق میدان نقش جهان در عکس‌های گذشته که در حال حاضر بیشتر شامل زمین‌های متروک، پارکینگ و به‌طور عمده فاقد نظم، طرح و نسق خاصی است. وجود کاروانسرا در شمال و جنوب بازار مقصود از دوره صفویه در عکس‌های اشمیت مشهود است که به ترتیب عبارتند از سرای نخجوانی‌ها و کاروانسراهای مقصود بیک که سرای نخجوانی‌ها در عکس هوایی سال ۳۵ نیز دیده می‌شود. در حال حاضر سرای نخجوانی‌ها به جز دو بدنه خود، به محلی مخروبه تبدیل شده که به عنوان پارکینگ از آن استفاده می‌شود. در محل کاروانسرای مقصود بیک نیز خانه‌هایی از دوران پهلوی و معاصر ساخته شده‌اند.

۸-۲- پیشنهادات و راهکارهای تقویت نقش عناصر مذهبی در محدوده مطالعه

با توجه به موارد مطرح شده، راهبردهای اصلی احیای مراکز مذهبی را در محله پشت گنبد می‌توان در ابعاد: احیا فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله،، قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی، افزودن فضای باز و نیمه‌باز، افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی، احیای کالبدی مراکز مذهبی به عنوان نشانه‌های شهری، طراحی و ساخت هدفمند این مراکز در محله، بهبود جانمایی و سلسله‌مراتب دسترسی به مراکز مذهبی و تقویت مشارکت عمومی با رویکرد اسلامی در محله دسته‌بندی نمود که به اختصار به هریک از آن‌ها اشاره شده است:



احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸

نمودار ۲: مراکز مذهبی موجود در بافت
تاریخی محله پشت گنبد (نگارندگان)

۸-۲-۱- فراگیری و عمومیت عناصر مذهبی در بافت محله

همان‌طور که بیان شد در شهر سنتی اسلامی ایرانی بناهای مذهبی به‌ویژه مساجد نقشی چندبعدی در ساختارهای شهری ایفا می‌کردند آن‌ها در بعد اجتماعی علاوه بر برگزاری مراسم‌های مذهبی نقشی مؤثر در برگزاری تجمعات، جلسات و ارتباطات شهروندان را ایفا می‌کردند. این عملکرد چندبعدی نیز با رویکرد افزایش مشارکت و حضور مردم باید در طرح‌های مرمتی دیده شود. مرمت مراکز مذهبی می‌بایست به‌گونه‌ای انجام پذیرد که این مراکز به معنای واقعی کلمه به‌عنوان بخشی از مجموعه شهری و فضایی عمومی به‌شمار آیند. برای این منظور می‌بایست امکان حضور و تجمع مستمر و همیشگی گروه‌های مختلف اجتماعی در ساعات مختلف شبانه‌روز فراهم گردد. هرچه حضورپذیری و تجمع‌پذیری این مراکز افزایش یابد این مراکز پرنورتر خواهند بود و نقش پررنگ‌تری در محلات و بافت‌های تاریخی ایفا خواهند نمود. این در حالی است که در حال حاضر، حضور در این مراکز فقط در ساعات خاص و آن‌هم جهت برگزاری مراسم ویژه امکان‌پذیر است و که نمی‌توان در چنین شرایطی انتظار برقراری تعاملات اجتماعی حتی در سطوح کم را هم داشت. به‌عنوان مثال قرارگرفتن حیاط مساجد در مسیر عبوری شهروندان، بسترسازی مناسب جهت امکان مکث و دیدارهای مردم و بازو یا نیمه‌باز بودن فضای مساجد چه به لحاظ ادراکی و چه از لحاظ فیزیکی (ورود و خروج) تأثیر مستقیم در توجه به ابنیه مذهبی در بافت‌های تاریخی خواهد بود کما اینکه در گذشته چنین نگرش‌های به‌صحن و محیط فضاهای عمومی وجود داشته است.

۸-۲-۲- قرارگیری فعالیت‌های سازگار در داخل و یا اطراف مراکز مذهبی.

تأسیس مستقل مراکزی چون کتابخانه‌ها، خانه‌های فرهنگ، شورای محلات و... مواردی هستند که در اثر توجه به ساختارهای شهری خارج از کشور بوده و شکل‌گیری بسیار از آن‌ها به دلیل وجود مراکزی این‌چنین و یا مشابه آن در کشورهای دیگر می‌باشد. آنچه که تحت عنوان شهرسازی دوره جدید همچون موجی فراگیر به شهرهای بزرگ و سپس سراسر کشور رسید، چیزی جز انعکاس تحولات غرب نبود. سال‌ها پس از انقلاب صنعتی در غرب که دگرگونی‌هایی را در شیوه زندگی شهری به دنبال داشت، با نفوذ استعمارگران در ایران، الگوبرداری و برداشت‌هایی از شیوه غربی شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری به عمل آمد. (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵) ایجاد امکان جدید و نام‌گذاری آن‌ها از همین دست اقدامات می‌باشد. این در حالی است که در گذشته‌های نه‌چندان دور بسیاری از این نیازها در همان مراکز مذهبی برآورده می‌شدند. تدریس علوم و برخی فنون، امکان تعاملات اجتماعی و تجمعات، اعتصاب و برخی اعتراضات، حل برخی دعوی و مشکلات توسط ریش سفیدان و علما نمونه‌های از آن موارد می‌باشد. البته با توجه به گستردگی نیازها و مشکلات ساکنین محلات و شهروندان شاید دیگر نتوان تمامی این فعالیت‌ها را در مراکز مذهبی پاسخگو بود، اما بازگرداندن برخی از فعالیت‌ها مانند فعالیت‌های آموزشی گروه‌های مختلف اجتماعی و یا فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی شهروندان در مراکز مذهبی می‌تواند علاوه بر رونق آن‌ها موجب برطرف سازی برخی از نیازها به عنوان مثال کم بودن سرانه آموزشی و فرهنگی در محلات مختلف گردد. از سوی آنجا که شکل‌گیری برخی فعالیت‌ها و کاربری‌ها در کنار یکدیگر به دلیل ایجاد تمرکز و رقابت و صرفه‌جویی در وقت و انرژی موجب تجمع و رونق بیشتر این مراکز کوچک می‌گردد این در حالی است که طراحی مناسب و شکل‌گیری در هم تنیده فعالیت‌های سازگار و همسود داخل مجموعه و یا در کنار این مراکز موجب رونق و احیای هرچه بیشتر آن‌ها خواهد بود. بدیهی است مرتفع نمودن نیازهای فرهنگی و اجتماعی که از رونق این مراکز منتج می‌گردد تأثیر مستقیم در رضایت‌مندی ساکنین محله و ارتقا کیفیت بافت‌های تاریخی خواهد داشت.



احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت‌گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زینوف
صص ۲۹-۴۸

۸-۲-۳- افزودن فضای باز و نیمه‌باز و نیز افزایش سرانه‌های مراکز مذهبی
یکی از مشکلات مراکز مذهبی موجود در بافت تاریخی محله پشت گنبد آن است که این مراکز عمدتاً محصور، مسقف و دارای مقیاس‌های کوچک می‌باشند. وجود زمین‌های بایر، بناهای قدیمی فاقد ارزش، متروکه و مخروبه در کنار مراکز مذهبی و یا بافاصله‌های بسیار کم از آن‌ها از یک سو و کم بودن سرانه‌های فضای سبز، فضاهای فرهنگی و ورزشی محله از سوی دیگر این فرصت را فراهم می‌آورد که با طراحی مناسب و روزآمد این بخش‌ها همراه با پوشش گیاهی مناسب و نورپردازی کافی (هر دو مورد از نیازهای محله می‌باشند) و اتصال آن به مراکز مذهبی و قراردادن مالکیت این فضا در اختیار این مراکز می‌توان علاوه بر ایجاد فضاهایی امن، ایمن جهت حضور و تجمع شهروندان و ساکنین موجب رونق هرچه بیشتر مراکز مذهبی گردید. در واقع علاوه بر استفاده مناسب از این فضاها در راستای رفع نیازهای محله، می‌توان با افزایش فضای این مراکز امکان فعالیت بیشتر و مناسب‌تری را به وجود آورد. فعالیت‌هایی که بروز آن در فضاهای عمومی و باز بر شکوه و تأثیر آن بیافزاید.



تصویر ۷: فضاهای رها شده پشت گنبد
شیخ لطف‌الله و در کنار سایر مراکز مذهبی
دیگر (نگارندگان، ۱۳۹۰)

۸-۲-۴- توجه به ویژگی‌های کالبدی مراکز مذهبی
با فرض آنکه بتوان این مراکز را به صورت مراکز عمومی و در معرض دید ساکنین و شهروندان قرار داد در صورتی که این مراکز فاقد ارزش‌های بصری مناسب و ویژگی‌های

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی رئوف
صص ۲۹-۴۸

ارزشی کافی باشند نه تنها نقش این عناصر در احیای بافت‌های تاریخی کاهش می‌یابد بلکه باعث فاصله آن از سایر قسمت‌های بافت محله خواهد شد. در مقابل اگر وجوه کالبدی مراکز مذهبی در کنار سادگی و آراستگی دارای نشانه‌ها و نمادهای مفهومی اسلامی و ایرانی باشد علاوه بر شکوه و صلابت می‌تواند تبدیل به نمونه‌ای برجسته و تبدیل به الگویی شاخص برای ساخت بناهای محله گردد. استفاده از نمادها، عناصر، المان‌ها و فرما ارزشمند، تکرار این موارد و بروز ریتم‌های یکسان در محله علاوه بر ایجاد یکپارچگی باعث بروز هویت در محله و در نهایت ایجاد حس تعلق گردد. از سوی دیگر آراستگی همراه با سادگی و زیبایی نماها، بدنه‌ها و ورودی این مراکز می‌تواند خصوصاً در بافت ارگانیک و تاریخی محله پشت گنبد تبدیل به نشانه‌هایی گردد که علاوه بر خوانایی در بروز هویت بی‌تأثیر نخواهد بود.

۸-۲-۵- طراحی و ساخت هدفمند مراکز مذهبی

در حال حاضر با توجه به تراکم و ساختار بافت محله احداث کاربری مذهبی برخلاف گذشته با مشکلات بسیاری مواجه است. دیگر زمین‌های باز و نامحدود و مناسب برای هرگونه ساخت و سازی وجود ندارد در حالی که محل قرارگیری مساجد و مراکز مذهبی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. قرارگیری این مراکز در مسیرهای مناسب و سهولت در دستیابی به آن و نیز امکانات کافی در کنار این مراکز مانند محل پارک خودرو و... همگی عواملی است امکان استفاده از فضا را تسهیل کرده و باعث رونق و تأثیرگذاری این مراکز خواهد شد. فاصله مناسب این مراکز تا منازل مسکونی و تأمین سرانه‌های مناسب (شعاع عملکرد مناسب) از دیگر موارد مهم در انتخاب محل احداث این مراکز می‌باشد. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد با کمبود سرانه مراکز فرهنگی، ورزشی و مذهبی و... در محله پشت گنبد مواجه هستیم، احداث مراکز جدید با جانمایی مناسب و ترمیم و مرمت بناهای مراکز موجود و نیز افزایش فضاهای اطراف آن‌ها در جهت افزایش امکانات و تسهیل در دسترسی و استفاده از آن می‌تواند موجب رونق و منشأ تأثیر در احیا و ارتقاء کیفیت محله گردد.



تصویر ۸: قرارگیری در نقاط شاخص از
مسیر جهت خوانایی و وضوح بیشتر
(نگارندگان، ۱۳۹۰)

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
 میلاد فتحی، محمد مهدی زینوف
 صص ۲۹-۴۸

۸-۲-۶- بهبود جانمایی و سلسله‌مراتب دسترسی

سلسله‌مراتب یکی از زیرشاخص‌های مهم عالم وجود می‌باشد. وجوه و جنبه‌های گوناگون این اصل را از منظر تمامی علوم و دانش‌های اسلامی و ایرانی می‌توان مورد شناسایی قرار داد. (علیمردانلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸) طراحی شهری ایرانی-اسلامی، به نوعی بازتاب کاربرد کلیه اصول ساختاری موجود در طبیعت می‌باشد. کل‌های موجود در طبیعت از تعاملات کل‌های کوچک‌تر با مقیاس‌های مختلف در سلسله‌مراتبی که تا ساختار ماده پیش می‌رود، شکل گرفته‌اند. در شهرهای گذشته ما سلسله‌مراتب به صورت پیوسته در کلیه مقیاس‌ها از استخوان‌بندی شهر تا ترکیبات معماری مورد توجه بوده است؛ لیکن مرور تجربیات شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله‌مراتب به صورت صوری و غالباً موردی و موضعی مطرح بوده است نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آن‌ها) مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت چیدمان‌های شطرنجی و شبکه‌ای بسیاری از طرح‌های شهری امروز تنها خیال انسجام شهری را با خود به همراه دارند؛ زیرا که در طرح‌هایی که امروزه با اهداف مختلف برای شهرها ارائه می‌شوند، مقیاس‌های میانی و فضاهای اشتراکی به عنوان دو عنصر ایجادکننده سلسله‌مراتب و متعاقباً انسجام شهری مورد فراموشی قرار گرفته‌اند. (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳) از اینرو اصلاح سلسله‌مراتب دسترسی در محله با تأکید بر تقویت نقش مراکز مذهبی می‌تواند نقش فرهنگی این اجزا را دوچندان نماید.

۸-۲-۷- تقویت مشارکت عمومی

در شهر اسلامی هر فرد دارای حق و تکلیفی است و براین اساس شهروندان باید حق و حقوق یکدیگر را شناخته و رعایت کنند و در این شهر رعایت اصول شهروندی نیز یک ضرورت می‌باشد. مسجد محوری از زمان نبی اکرم (ص) آغاز شد و به مرور زمان تداوم آن مشهود است اما در شهر معاصر نقش فرهنگی اجتماعی مساجد کم‌رنگ شده است. از اینرو در طرح‌های مرمت، با توجه به ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی، می‌تواند به بستری جهت حضور و مشارکت عمومی در مراکز مذهبی تبدیل شود. آنچه که در تمامی دوران‌های شهرهای ایران مشترک بوده، حضور مردم و وجود روابط اجتماعی حاکم بر آن‌ها است که مهم‌ترین اصل در پویایی فضاهای شهری به حساب می‌آید. مشارکت شهروندان در فرایند احیاء شهرسازی ایرانی-اسلامی می‌تواند تأثیرات گوناگونی از جمله در افزایش انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و تنش‌های ناشی از زندگی شهری معاصر داشته باشد.

۹- نتیجه‌گیری

شاید در یک نگاه کلی بتوان گفت یکی از راه‌حل‌های اصلی ارتقای نقش مراکز مذهبی و در نهایت مرمت و احیای بافت‌های تاریخی بازگشت به مفهوم گذشته و اولیه مساجد و تکایا و در کل، مراکز مذهبی است. شکل‌گیری این مراکز در استخوان‌بندی اصلی شهرها و محلات و استفاده زیاد در زمینه‌های مختلف از این مراکز نشان از اهمیت آن در زندگی روزمره مردم شهر و اهمیت در ساخت و چگونگی شکل‌گیری محلات دارد. سادگی و درعین حال سرشار از رمز و راز و مفهوم و معنی بودن این مراکز و خلاقیت‌های ظرفیت و درخور توجهی که در این امکان مورد توجه قرار گرفته است چه به لحاظ کالبدی و چه از نظر مفهومی و محتوی فضاهای نشان از ارزش و اهمیت آن در ساختار

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های
مرمت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر
ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت
تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاذ فتحی، محمد مهدی زئوف
صص ۲۹-۴۸

شهر و زندگی مردم زمان خویش دارد. البته نمی‌توان کتمان نمود که فعالیت‌ها و
معضلات در گذشته بسیار ساده‌تر و قابل حل‌تر از شرایط کنونی بوده و نیاز به مراکز
و مراجع محدودتر بوده که در حال حاضر این مهم امکان‌ناپذیر نیست؛ اما الگوگیری
کلی از گذشته چه از دیدگاه معمارانه آنکه سرشار از رموز، معانی و اسرار است و چه از
دیدگاه شهرسازانه و کلی‌تر جهت رونق بخشی به این مراکز در کنار استفاده از تجربیات
و آموخته‌هایی که به مرور زمان حاصل شده است می‌تواند کمک شایانی به احیای
نقش مراکز مذهبی و در نهایت ارتقا طرح‌های مرمت بافت‌های تاریخی شهری داشته
باشد. توجه به نکته نیز ضروری است که اساس و بنیان پیدایش این مراکز بر اساس
سادگی ظاهری و کالبدی آن بوده و توجه اصلی به محتوا و معنی موجود در این مراکز
می‌باشد. عدم هماهنگی و توجه بیش از حد و نامعقول به این مراکز و شکوه ظاهری آن
منجر به همان اتفاقی می‌شود که حاصل از بی‌توجهی به این مراکز است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

احیای نقش مراکز مذهبی در طرح‌های مرمیت بافت‌های تاریخی شهری مبتنی بر ملاحظات فرهنگی؛ مورد مطالعه: بافت تاریخی محله پشت گنبد اصفهان
میلاد فتاحی، محمد مهدی زینوف
صص ۲۹-۴۸

منابع

- ۱- اریک ف. اشمیت (۱۳۷۶)؛ «پرواز برفراز شهرهای باستانی ایران»؛ ترجمه: آرمان شیشه‌گر، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور
- ۲- بریمانی، فرامرز و شعاع‌برآبادی، علی (۱۳۸۸) «بافت قدیم شهرها جلوه فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی، مورد بافت قدیم شهر خواف»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۵، صص ۸۹-۱۱۲
- ۳- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ «مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام
- ۴- تقوایی، علی‌اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹)؛ «ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امیر تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۳۴-۲۱۹
- ۵- حبیبی، کیومرث و همکاران (۱۳۹۰)؛ «ارزیابی اثرات طرح‌های توسعه شهری بر ساختار شکنی و ارتقای کیفی فضای شهرکهن ایرانی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۴، صص ۲۸-۱۵
- ۶- حکیم، بسیم سلیم (۱۳۸۱)؛ «شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمان»، ترجمه محمد حسین ملک‌احمدی، تهران، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۷- دانش، جابر (۱۳۹۰)؛ «مبانی معنوی شکل‌گیری شهر اسلامی»، مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۶۱-۵۸۹
- ۸- سلخی خسرقی، صفا (۱۳۹۰)؛ «تقابل الگوهای اجتماعی پایدار در غرب با اسلام شهرهای تاریخی ایران» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۷۳۸-۷۰۵
- ۹- شعبی، عباس و شعبانی، نگین (۱۳۸۰) «مسجد به عنوان یک عنصر شهری»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، افق آینده، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دانشگاه هنر
- ۱۰- طاهرخانی، حبیب‌الله و توسلی، محمد مهدی (۱۳۸۵)؛ «مدیریت شهری: مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۱۰۷-۹۶
- ۱۱- طیبیان منوچهر و همکاران (۱۳۹۰) «بازتاب اصل سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۷، صص ۷۶-۶۳
- ۱۲- علیزاده، هوشمند و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۰)، «عوامل شکل‌دهنده شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان»، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۳، صص ۷۶-۷۱
- ۱۳- علی‌مردانی، سارا و همکاران (۱۳۸۹)؛ «سلسله‌مراتب دسترسی در باغ شاهزاده ماهان»، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۲، صص ۵۵-۴۶
- ۱۴- قربی، میترا و مدیری، آنوسا (۱۳۸۷)؛ «بهسازی بافت تاریخی با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی، شهر کرمان»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد، صص ۱۲-۱
- ۱۵- کرباسی، عاطفه و سلطانی، علی (۱۳۸۳)؛ «طراحی معماری پشت گنبد مسجد عباسی اصفهان»، فصلنامه اثر، شماره ۳۶ و ۳۷، صص ۲۹۰-۲۸۵
- ۱۶- کردوانی، پرویز و مورد غفاری، ونوس (۱۳۹۰)؛ «توریسم و رویکرد نوسازی در طراحی بافت‌های تاریخی شهری، مطالعه موردی: شهر اصفهان»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۳۰، صص ۳۱-۱۹
- ۱۷- کمیلی، محمد و خدائی، زهرا (۱۳۹۰)؛ «بررسی تطبیقی عناصر هویت بخش به شهر اسلامی؛ نمونه مورد مطالعه: شهرری» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۹۶۸-۹۴۳
- ۱۸- کیانی، اکبر و همکاران (۱۳۸۹)؛ «بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی، مطالعه موردی: شهر گور- فیروزآباد»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دهم، شماره ۳۰، صص ۴۳-۲۱
- ۱۹- مهدوی نژاد، محمد جواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹) «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی»، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۵، صص ۷۸-۶۷
- ۲۰- نوری‌یان، علیرضا (۱۳۹۰)؛ «ساختار معماری و شهرسازی ایرانی» مجموعه مقالات منتخب اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۸۳۴-۸۱۵